



مقایسه تطبیقی مکاتب امنیتی غرب با مکتب امنیتی اسلام

بهرام بیات^۱، علی‌نقی طالبی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

چکیده

با توجه به جایگاه امنیت در زندگی بشری، نظریه‌های مختلف، همواره در پی تفسیر مفهوم امنیت و سازوکارهای دستیابی به آن بوده‌اند و تفاوت در مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و فرجام‌شناسی، منجر به اتخاذ رویکردهای امنیتی متفاوت شده و دو مکتب رئالیسم و لیبرالیسم، به‌عنوان دو جریان اصلی در روابط بین‌الملل و اسلام به‌عنوان یک دین جهان‌شمول، رویکردهای امنیتی متفاوتی را ارائه نموده‌اند. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق توصیفی/تحلیلی، و معرفی سه مکتب مذکور، به بررسی تطبیقی این سه مکتب پرداخته و به دنبال ارائه تفاوت دیدگاه این سه مکتب در مفهوم‌سازی، ابعاد و سازوکارها و عملیاتی‌کردن شاخص‌های امنیتی است. نتایج حاصل از این تحقیق حاکی است که دیدگاه بدبینانه رئالیسم نسبت به انسان و نظام بین‌الملل و تمرکز بر جنگ‌محور بودن نظام بین‌الملل و حاکمیت زور بر روابط، به اتخاذ نوعی رویکرد امنیتی، تقابلی و تقلیل‌گرا و تأکید بر بعد نظامی امنیت، انجامیده است. همچنین دیدگاه خوش‌بینانه لیبرالیسم، نسبت به انسان و نظام بین‌الملل و توجه به بعد صلح‌آمیزی انسان و روابط بین‌الملل و تمرکز بر صلح‌محوری، به اتخاذ نوعی رویکرد امنیتی، تعامل‌گرا و خوش‌بینانه با تأکید بر بعد اقتصادی و سطح تحلیل فردگرا نموده و دیدگاه واقع‌بینانه اسلام نسبت به ذات انسان و نظام بین‌الملل با توجه به مبانی هستی‌شناسی، به اتخاذ نوعی رویکرد امنیتی ترکیبی از رویکرد تعاملی، تقابلی و واقع‌بینانه مبتنی بر امنیت فراگیر و تأکید بر لایه‌های گوناگون امنیت و سطح تحلیل امت‌گرا، منجر شده است.

کلیدواژه: مکاتب امنیتی، امنیت در اسلام، امنیت در رئالیسم، امنیت در لیبرالیسم.

مقدمه و بیان مسئله

مقوله امنیت در سطوح داخلی و بین‌المللی، به دلیل اهمیت ویژه‌اش، حوزه زندگی فردی انسان و حوزه نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده است تا جایی که بخش عمده‌ای از تلاش نظریات روابط بین‌الملل به تجزیه و تحلیل مفهوم و نظام‌های امنیتی معطوف است. از آنجایی که هر یک از نظریه‌های روابط بین‌الملل، مبانی فرانظری خاصی دارند، در نتیجه، دیدگاهی متفاوت از مفهوم امنیت را ارائه می‌دهند.

اسلام به‌عنوان دینی جهان‌شمول که به همه ابعاد زندگی بشری توجهی ویژه دارد، با توجه به ماهیت هستی‌شناسی خود نسبت به انسان، محوریت کنش‌گران و سرشت نظام جهانی، رویکرد امنیتی متفاوتی در مقایسه با دو مکتب عمده رئالیسم و لیبرالیسم ارائه داده است و با اتخاذ رویکردی بینابینی نسبت به ذات بشر و محور قراردادن امت دینی به‌عنوان کنش‌گر اصلی نظام بین‌الملل، رویکرد امنیتی متفاوتی در مفهوم‌سازی، ابعاد و سازوکارهای عملیاتی‌سازی امنیت ارائه نموده است. برداشت‌های رئالیستی از امنیت، مبتنی بر پذیرش رقابت و نزاع بر سر قدرت میان دولت‌های مستقل ملی است و در آن، امنیت بر پایه ترس و بیم از دیگری پایه‌ریزی شده است و ناشی از دیدگاه منفی نسبت به ذات بشر و در نتیجه، تسری آن به نظام بین‌الملل است. لیبرال‌ها نیز با توجه صرف به عقل بشری و با دیدگاه خوش‌بینانه نسبت به ماهیت انسان، نظامی که دستیابی به امنیت را در مسائل اقتصادی، محدود می‌کند و از ابعاد دیگر امنیت غافل می‌ماند، پایه‌گذاری نموده است. این پژوهش سعی دارد با بررسی مبانی هریک از مکاتب فوق، تفاوت‌های رویکردی این سه مکتب را با استفاده از تبیین مبانی هستی‌شناسی آنها بررسی نماید و فرضیه این پژوهش بر این مبنا استوار است که تفاوت در مبانی هستی‌شناسی سه مکتب رئالیسم، لیبرالیسم و اسلام به اتخاذ رویکردهای امنیتی متفاوت این سه جریان در مفهوم‌سازی، ابعاد و سازوکارهای دستیابی به امنیت منجر شده است و در ادامه این پژوهش برای اثبات این فرضیه، ابتدا جایگاه امنیت در نظریه‌های رئالیستی و لیبرالیستی به‌عنوان دو جریان عمده نظریه‌پردازی در حوزه روابط بین‌الملل را بررسی خواهد نمود و سپس به تبیین مقوله امنیت در اسلام خواهد پرداخت و در بخش آخر، رویکردهای امنیتی این سه مکتب در مقایسه با هم مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

بنابراین مسئله اصلی این تحقیق، تفاوت‌های موجود در مکاتب امنیتی رئالیسم و لیبرالیسم با مکتب امنیتی اسلام است و دیدگاه هر یک از آنها در مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی،

روش‌شناسی و فرجام‌شناسی و مقایسه تطبیقی میان مکاتب امنیتی غرب و اسلام به‌عنوان مسئله اصلی این پژوهش می‌باشد.

۱. بررسی مفهوم امنیت

۱.۱. امنیت در اسلام

امنیت از مقوله‌های اساسی در زندگی فردی و اجتماعی بشر است و وجود آن در تمامی ابعاد زندگی بشری قابل لمس بوده و بر روند آن مؤثر است و از دیر باز تاکنون در حیات انسانی منشأ تحولات و دگرگونی‌های فراوانی بوده است. ریشه لغوی امنیت از ثلاثی مجرد «امن» و با مشتقاتی مانند «ایمان»، «ایمنی» و «استیمان» است. این واژه را به مفهوم اطمینان، آرامش در برابر خوف، تفسیر، تعریف و ترجمه کرده‌اند که تا حدود زیادی به واقعیت نزدیک است و شامل دو بعد ایجابی و سلبی در تعریف امنیت می‌شود. از یک سو اطمینان، آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر فقدان خوف، دلهره و نگرانی است، که موجب سلب آرامش و اطمینان می‌گردند. همچنین امنیت از موضوعات بسیار مهمی است که در همه مکاتب به آن پرداخته شده است و در اسلام و در قرآن و روایات نیز به طور کامل و گسترده به آن اشاره شده است. در مجموع از ریشه یا کلمه «امن»، ۶۲ کلمه مشتق شده است و حدود ۸۷۹ بار در قرآن به‌کار رفته است که از این تعداد کار برد، ۳۵۸ مورد در آیات مکی و ۵۲۱ مورد در آیات مدنی است.^۱

در قرآن کریم، آیات بسیاری درباره اهمیت امنیت و جایگاه والای آن در زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی و... انسان وارد شده است که به اختصار، نمونه‌هایی از آن‌ها آورده می‌شود:

قرآن یکی از اهداف برقراری حاکمیت خدا و جانشینی صالحان و طرح کلی امامت را تحقق امنیت معرفی کرده است: (وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی ولایشرکون بی شیئاً^۲ «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد، همانگونه که

۱. محمود روحانی (۱۳۶۸). المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم، (فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم)، المجلد الاول، مشهد، آستان قدس رضوی

۲. قرآن کریم، سوره نور، آیه ۵۵

کسانی که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.»

بنابر آیه (و اذ قال ابراهیم رب اجعل هذا البلد آمناً) حضرت ابراهیم (ع) هنگام بنا نهادن کعبه، به این نیاز فطری توجه کرد و از خداوند خواست آن سرزمین را از نعمت «امنیت» برخوردار سازد. خداوند نیز، بنا به آیه: (و اذ جعلنا البیت مثابه للناس و امناء)، آنجا را خانه امنی برای مردم قرار داد.

در قرآن کریم، شهری که برخوردار از نعمت باشد، به عنوان سرزمین آرمانی و مثالی معرفی شده است و بنا بر آیه و ضرب الله مثلاً قریه کانت آمنه مطمئنه یأتیها رزقها رغدا من کل مکان^۳ خداوند به عنوان الگو و نمونه، قریه و شهری را مثال می‌زند که امن، آرام و مطمئن بوده و همواره روزی‌اش به فراوانی از هر مکانی فرا رسیده است. بدیهی است، تحقق نهایی چنین شهری در جایی به‌جز عصر و حکومت امام مهدی، محقق نخواهد شد.

در قرآن کریم، اولوالالباب به امنیت و سلامتی جاودانی بشارت داده شده‌اند. به تعبیر علامه: جمله «سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار»، حکایت کلام ملائکه است که اولوالالباب را به امنیت و سلامتی جاودانی و سرانجام نیک نوید می‌دهند؛ سرانجامی که هرگز دستخوش زشتی و مذمت نگردد.^۴ از سوی دیگر بنا به آیه (ادخلوها بسلام آمنین)^۵، در روز سرنوشت، وقتی انسان‌های صالح در جنت گام می‌نهند، به آن‌ها نوید امنیت و سلامت داده می‌شود.

امنیت بزرگ‌ترین پاداشی است که در تمیز اهل حق از باطل، به اهل حق اعطا می‌شود؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: فأی الفریقین احق بالامن؟ یعنی کدام یک از دو دسته شایسته امنیت هستند؟ در سخنان و روایات معصومان (ع) نیز مطالب فراوانی درباره اهمیت و ضرورت امنیت وارد شده است که برای نمونه، تنها مواردی از آن‌ها ذکر می‌شود. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: مَنْ

۱. قرآن کریم، سوره ابراهیم، آیه ۳۵.

۲. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۲۵.

۳. قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۱۱۲.

۴. بحار الانوار، ج ۱۱: ۴۷۵.

۵. قرآن کریم، سوره حجر، آیه ۴۵.

۶. قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۸۱.

أَصْبَحَ مُعَافَى فِي بَدَنِهِ آمِنًا فِي سِرِّهِ بِعِنْدَةِ قُوَّتِ يَوْمِهِ فَكَأَنَّمَا خَيْرَتُ لَهُ الدُّنْيَا بِحِذَافِيرِهَا.^۱ هر که تنش سالم است و در جامعه خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد، جهان سراسر مال اوست.

۱.۲. امنیت در مکتب رئالیسم

رئالیست‌ها معتقدند که دولت‌ها نخستین عامل تحلیل و بررسی بوده و به صورت عقلایی رفتار می‌کنند تا از منافع ملی خود احساس رضایت کنند. قدرت و امنیت جزء ارزش‌های اصلی و مهم دولت محسوب می‌شوند و در تمامی دیدگاه‌های رئالیستی، نگرش بدبینانه حاکم است. آنارشی (نبود اقتدار مرکزی) جزء ویژگی نظام بین‌المللی در این مکتب است که دولت‌ها را مجبور می‌کند، خارج از علائق ملی‌شان عمل کنند، چنین موقعیتی آنارشیکی به «بحران امنیتی» منجر می‌شود. قدرت و توان که براساس توانایی‌های نظامی و تلاش برای ایجاد امنیت ارزیابی می‌شود، در سیاست‌های جهانی، مهم‌ترین عامل محرک و مؤثر به شمار می‌آید.

برایندهای دیدگاه رئالیستی عبارتند از: دولت‌ها، منشأ اصلی تهدید و مسئول اولیه برقراری امنیت هستند و امنیت ملی به صورت محافظت از دولت در مقابل تهدیدهای خارجی تعریف می‌شود؛ در واقع، تأمین امنیت بین‌الملل به تأمین امنیت ملی دولت، منوط است؛ در چنین حالتی، دولت‌ها مسئولیت اولیه تأمین امنیت خود را بر عهده دارند. تهدیدها دارای ماهیت نظامی بوده، پاسخ نظامی را بر می‌تابند؛ با توجه به آنارشیستی بودن وضعیت نظام بین‌الملل، هر دولتی باید این مسئله را در نظر داشته باشد که در هر لحظه امکان تجاوز نظامی به حریم کشورش وجود دارد؛ از این رو، تنها ابزار مقابله با تهاجم نظامی، داشتن قدرت نظامی مناسب است.

در این مکتب، حفظ حاکمیت و استقلال کشور به مثابه بالاترین ارزش در نظر گرفته می‌شود؛ از منظر رئالیستی، دولت‌ها بازیگران اصلی عرصه روابط بین‌الملل هستند و در رقابت آنها با همدیگر بقای آنها، عالی‌ترین هدف است؛ از این جهت، حاکمیت و استقلال، بالاترین ارزش مورد توجه دولت‌هاست، در نظام بین‌الملل آنارشیکی، هیچ قدرت فائده‌ای وجود ندارد که بقای دولت و ملت‌ها را تضمین کند و هر کشوری نیز باید تمام تلاش خود را در راستای حفظ حاکمیت و استقلال خود که بقایش با آن تعریف می‌شود، به کارگیرد. نتیجه چنین برداشت‌هایی، به وجود آمدن بی‌اعتمادی و ترس

۱. نهج الفصاحه، گردآورنده: مرتضی فرید تنکابنی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ج ۴، ۱۳۷۴: ۵۹.

دائمی میان کشورها و انسان‌هاست که در آن، امنیت در قبال ناامنی دیگران تعریف می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۶: ۶۲).

۱.۳. امنیت در مکتب لیبرالیسم

لیبرالیسم، بعدی وسیع و گسترده است که شامل نظریه‌های ایدئالیسم، نئولیبرال و یلسون، نظریه صلح دموکراتیک و نظریه وابستگی؛ نظریه تصویر ذهنی فرعی و جانبی؛ دیدگاه سیاست‌های بوروکراتیک است. به اعتقاد لیبرال‌ها، انتقال، تغییر و تبدیل حکومت‌ها پیش زمینه‌بازنویسی مفهوم امنیت است. در این روند توجه به حقوق بشر، هویت‌های فرهنگی و حیات اقتصادی و زیست بومی از اولویت‌های اساسی هستند، اما امنیت به ایجاد بستری برای مشارکت‌های مردمی در سطح بین‌المللی، نیازمند است تا آن را از انحصار متخصصان امنیتی و سیاست‌گذاران دولتی خارج کند؛ به عبارتی باید در تلاش بود تا این ذهنیت محو شود که دولت‌ها تنها تأمین‌کنندگان امنیت هستند. برخلاف رویکرد رئالیستی، امنیت و نظم در دیدگاه لیبرالی از توازن قوا حاصل نمی‌شود، بلکه حاصل تعامل‌هایی است که میان لایه‌های مختلف حاکمیتی، سازش میان قوانین، هنجارهای مشترک، رژیم‌های بین‌المللی و مقررات نهادی وجود دارد؛ در این راستا لیبرال‌ها برای ترغیب همکاری از طریق نهادهای بین‌المللی خلع سلاح و حقوق بین‌الملل، بر تقویت چندجانبه‌گرایی و نظام مبتنی بر همکاری‌های دسته‌جمعی به جای برقراری اتحادهای دوجانبه و استقرار به اصطلاح موازنه حاصل از اتحادهای مزبور تأکید می‌کنند.

در مجموع، دیدگاه کلی متفکران لیبرالیست نسبت به امنیت بین‌الملل، عبارت است از اینکه؛ جنگ، شدیدترین تهدید امنیتی و بدترین پدیده در نظام بین‌الملل محسوب می‌شود؛ جنگ، پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است اما می‌توان با تمسک به سازمان‌های بین‌المللی آن را از بین برد؛ جامعه بین‌المللی باید حذف نهادهای جنگ‌طلب و امنیت‌زدا را در دستور کار خود قرار دهد؛ با استفاده از ابزارهای مسالمت‌آمیز نظیر دیپلماسی، حقوق بین‌الملل و نیز با توسعه رژیم‌های بین‌المللی و معاهدات، می‌توان از بروز جنگ جلوگیری و امنیت را برقرار کرد؛ یعنی امنیت هر دولت، مورد توجه دولت‌های دیگر نیز باشد؛ بنابراین دولت می‌پذیرد که در مقابله با تهاجم، پاسخ جمعی را برگزیند.

۱.۴. امنیت در مکتب انگلیسی

بررسی قرائت مکتب انگلیسی از امنیت و نوع نگاه این مکتب به روابط بین‌الملل مهم است. لذا بررسی‌ها نشان می‌دهد که در درون مکتب انگلیسی، دو خط فکری مشاهده می‌شود که هر دو وجود جامعه بین‌المللی متضمن ارزش‌ها، قواعد و تأسیسات مشترک مورد توافق را می‌پذیرند، اما راجع به امنیت و مفهوم آن اتفاق نظر ندارند. در واقع، رویکرد امنیتی این نظریه درگیر تنش بین ترجیحات امنیتی دولت از یک سو و ترجیحات مربوط به افراد از سوی دیگر است.

کثرت‌گرایان با تأکید بر امنیت دولت، بر این باورند که امنیت جامعه بین‌المللی در صورت امنیت دولت‌ها، حمایت از حاکمیت، احترام به اصل عدم مداخله و در نتیجه برقراری نظم بین‌المللی محقق می‌شود. دیدگاه این گروه در نظریه‌های هدلی بول و جکسون قابل ملاحظه است. بول معتقد است در فقدان مخاصمه بین‌المللی، ترجیحات امنیتی پیش شرطی ضروری برای تعقیب عدالت در درون مرزهای دولت است. او عناصری همچون توازن قدرت، حقوق بین‌الملل، دیپلماسی، جنگ و قدرت‌های بزرگ را عوامل برقراری نظم بین‌المللی معرفی می‌کند از این رو، بول تأکید بیش از اندازه بر ارزش‌های سیاسی را موجب بی‌ثبات کردن نظم بین‌المللی و در نتیجه ایجاد مشکل در برقراری امنیت برای شهروندان توسط دولت می‌داند.

در عین حال، تفسیر امنیتی نوین کثرت‌گرایان در ایده جکسون منعکس می‌شود بر اساس نظر او، سیاست جهانی بر پیمانی جهانی مبتنی است که جامعه کثرت‌گرا را تشکیل می‌دهد و در برخی موقعیت‌ها بین سیاست قدرت ماکیاولی و جامعه بشری کانت قرار می‌گیرد. پیمان جهانی در بر دارنده هنجارهای احتیاطی و رویه‌ای است که حول محور شناسایی متقابل حاکمیت، تمامیت ارضی دولت‌ها و اصل بنیادین عدم مداخله می‌چرخد، امنیت مسئله ابزاری نیست، بلکه موضوعی اخلاقی است به تعبیر او، در فقدان امنیت ملی نمی‌توان به کسب دیگر آمال همچون امنیت اقتصادی و امنیت زیست‌محیطی امیدوار بود (Bellamy, 2010: 314).

در مقابل، همبستگی‌گرایان بر این باورند که امنیت افراد در اولویت قرار دارد در بیان نظریه‌های این گروه می‌توان به آراء نیکلاس ویلر و اندرو لینکلینتر رجوع کرد. ویلر ضمن حمایت از حقوق اساسی شهروندان توسط دولت‌ها، اشاره می‌کند که رویه در حال توسعه مداخله بشردوستانه در دهه ۱۹۹۰ دغدغه مشروعی راجع به رفاه جامعه نشان می‌دهد اگرچه او به دولت به عنوان عامل اصلی [تحقق] امنیت متعهد است، اما افراد به ویژه کسانی که در معرض نقض‌های

نظام‌مند قرار دارند را مرجع اولیه تلقی می‌کند. او معتقد است به دلیل عدم رعایت تعهدات اخلاقی دولت‌ها نسبت به شهروندان در بیشتر موارد، اصرار بر حمایت از حاکمیت دولت و ترجیح امنیتش در تمام موارد و به صورت مطلق، مشکل‌ساز خواهد بود.

۱. ۵. امنیت در مکتب امنیتی ابرستویت (ولز)

مکتب ابرستویت، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تحول مطالعات امنیتی انتقادی بوده است. از میان سه مکتب پاریس، کپنهاک و ابرستویت، مطالعات امنیتی انتقادی، مکتبی است که به طور مشخص، جنبش گسترده و در حال ظهور در بسیاری از آثار اروپایی امنیت و مشخصاً فراسوی آن بوده است. مطالعات امنیتی انتقادی بخشی از دانش اکتشافی و تجربی نوپایی است که به باور اشلی و واکر از محدودیت‌های خودسرانه تخطی کرده، گره‌های کور را باز و قادر به ساخت و اشاعه طرق جدیدی از شناخت و اجرای سیاست کرده است (Booth, 1991:17). چالش امنیت انتقادی، بازبینی در برخی از اساسی‌ترین مباحث هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و سنت‌های سیاسی حوزه روابط بین‌الملل است. به گفته کریستن سیلوستر «تلاش‌های ما اغلب بر خلاف روابط بین‌الملل که مردم هیچ جایی در آن ندارد، نیست» (Booth, 1991:19).

از همه مهم‌تر، اینکه مطالعات امنیتی، به موجب مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی برای تعمیق حوزه خود تلاش و افری می‌کند. برای نمونه، پیوند میان امنیت و ادعاهای رایج آن مربوط به دانش و اشکال واقعیت، دراین چارچوب قرار دارد. نظریه پردازی امنیت در سطح فرانظری به پرسش‌های عملی در مورد هویت، چشم‌انداز رهایی، تغییر، عدالت، اقتدار سیاسی و خصیصه علوم انسانی، دامن زده است در همین رابطه، امنیت نه به عنوان بازتاب آشکار منافع ملی (تعریف موسع) یا حقوق و وظایف شهروندان، بلکه به عنوان سپهر گفتمانی مشاجره و مناقشه مطرح است. به گفته سیکون دپلی امنیت انتقادی ذاتاً مفهومی مناقشه برانگیز است.

نخستین حرکت تحلیلی محققان مکتب ولز در بررسی‌های انتقادی امنیت، عمیق‌تر ساختن شناخت ما از امنیت است بدین ترتیب، سیاست موجود در ورای مفاهیم تحقیقی و دستور کارهای سیاستگذاری آشکار می‌شود و تحلیل‌گران امکان می‌یابند دولت‌ها را از جایگاه محوری‌شان خارج سازند و موضوعات دیگری را در سطوح بالاتر و پایین‌تر از دولت در نظر بگیرند حرکت دوم، گسترده‌تر ساختن شناخت ما از امنیت برای در نظر گرفتن مجموعه‌ای از ناامنی‌هاست که در برابر

رشته‌ای از موضوعات امنیت قرار دارند از این جهت، محققان انتقادی امنیت، مسائل را «امنیتی نمی‌کنند»، بلکه «امنیت را سیاسی می‌سازند» (Bilgin, 1992: 12).

۱. ۶. امنیت در مکتب کپنهاگ

آنچه به عنوان مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی خوانده می‌شود، بر سه انگاره اصلی متکی است:

۱. امنیتی کردن؛

۲. بخش‌ها؛

۳. مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای.

امنیتی کردن، به صورتی مجزا، در برداشتی فرانظری تعریف می‌شود و از این نظر که تعاملات و تنش‌های این سه انگاره باعث پویایی‌های تحول نظری شده، اهمیت متقنی دارد (Buzan, 2003: 14). بخش‌ها، ارجاعی به تمایز میان امنیت اجتماعی، نظامی، زیست‌محیطی، سیاسی و اقتصادی است؛ مفهوم مجموعه‌های امنیتی نیز به اهمیت سطح منطقه‌ای در تحلیل امنیت می‌پردازد و اینکه؛ چگونه نگرانی‌ها و دغدغه‌های امنیتی با یکدیگر در بافتار یک «منطقه در هم تنیده» بررسی می‌شوند. امنیتی کردن نیز نظریه‌ای است که از سال ۱۹۹۰ م به بعد در مکتب کپنهاگ توسعه یافته است. همان طور، که الی ویور معتقد است: «هدف نظریه امنیتی کردن، ساخت و ارائه نوعی تجزیه و تحلیل امنیت نو‌متعارف است که هسته سنتی مفهوم امنیت (بقا، تهدید وجودی) را مورد تردید قرار داده و به طور غیرجزمی در دو بخش غیرنظامی و غیردولتی کاربرد دارد.

بر طبق نظر مکتب کپنهاگ، فهم و درک روندهای فرهنگی امنیتی کردن ضروری است. از این رو، کنش‌گران مسائل را به مثابه تهدیدات برای امنیت بر می‌سازند. محیط امنیتی معاصر، به طور عمیقی از منظر این مکتب، به سیاسی کردن یک مسئله در پیوند است. سیاست‌های امنیت، صرفاً در مورد تهدیدهای از پیش تعیین شده نیست، بلکه عملی برجسته است و مسائل مشخصی را به مثابه تهدید آشکار می‌کند. مکتب کپنهاگ، لزوماً به ارزیابی تهدیدهای عینی نمی‌پردازد، بلکه فهم روندهای ساخت معانی مشترک را در نظر گرفته و نگاهی سازه انگارانه نیز دارد. روند امنیتی کردن به نوعی مثابه کنش گفتاری است.

۱.۷. امنیت در مکتب پاریس

مکتب پاریس باعث واقعی شدن و اجتماعی شدن هرچه بیشتر مقوله امنیت شده است. موج سوم نظریه‌پردازی در مورد امنیت پس از نظریه‌های متقدمی همچون واقع‌گرایی و لیبرالیسم و سپس، مکاتب متأخری همچون کپنهاک و ولز، با مکتب پاریس وارد مرحله جدیدی شده است مکتب پاریس، حوزه اصلی تحول نظری مشخصی است که عمدتاً الهام گرفته از بوردیو و دیگر جامعه‌شناسان است. مکتب پاریس با تأسی از فوکو به رویه‌های مرتبط با دانش و امنیت می‌پردازد. اشکال امنیت در چگونگی دانش و ارتباط آن با کارگزاران مختلف؛ کارگزارانی که اغلب روندها و الگوهای آنان متفاوت از کارگزارانی است که در گفتمان رسمی، مطالعه می‌شوند. دیدیه بیگو، شخصیت اصلی این تحول نظری، در فصل‌نامه منازعات و فرهنگ، برخی از آثار مهم در ارتباط با این برنامه پژوهشی را به چاپ رساند همچین، جف هویسمنس، به طور گسترده‌ای، مکاتب جدید مختلف را به رشته تحریر درآورد و اهمیت پیش فرض‌ها و پیامدهای مکتب پاریس را به طور روشن و شفاف بیان کرد.

مکتب پاریس ملهم از مباحث جامعه‌شناسانه و پست مدرن است و در مقایسه با مکتب کپنهاک که بر رویه‌گفتامانی امنیت تمرکز می‌کند، توجه بیشتر خود را به وجه پراکسیستی امنیت معطوف می‌کند بالزاک، نظریه امنیتی کردن موجود در مکتب پاریس را رهیافت عمل‌گرا می‌خواند که به اندیشه‌های جامعه‌شناسانه میشل فوکو و آراء پی‌یر بوردیو در خصوص کاربرد نمادین زبان وابسته است (دهقانی فیروزآبادی و قرشی، ۱۳۹۲: ۲۶).

ریشه‌های مکتب پاریس، نه به روابط بین‌الملل که به نظریه سیاسی و جامعه‌شناسی مهاجرت و پلیسی‌سازی در اروپا برمی‌گردد بدین ترتیب، دومین حرکت انتقادی، کنارگذاشتن سوژه امنیت و بررسی گفتمان امنیت بود. مکتب پاریس با تأسی از فوکو به طور فزاینده‌ای بسترهای سیاسی و دانشی امنیت را مورد توجه قرار داده‌اند. از منظر بیگو، باید مفهوم سیاست امنیت را جدی گرفت، آن هم نه به معنای بحث امنیت در عرصه سیاسی صرف، بلکه به معنی بازشناسی مبارزاتی که به مفهوم امنیت شکل می‌دهد. این مبارزات می‌تواند در نتیجه مبارزه و کشمکش میان میدان‌های متخصصین و کنشگران امنیت باشد.

در مکتب پاریس، دو مؤلفه حیاتی، امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن، مفهوم امنیت را تغییر می‌دهند؛ طبق این دیدگاه، نمی‌توان نتیجه‌این روند را از منظر خواست یک کنشگر حتی کنشگر

مسلط تلقی کرد کنشگران هرگز نتایج نهایی حرکتی را که دارند انجام می‌دهند، نمی‌دانند، زیرا نتیجه به تأثیر میدانی بسیاری از دیگرکنشگران بر سر تعیین نوع امنیت بستگی دارد به عبارتی، از طریق گفتمان‌های اطمینان بخش یا تکنیک‌های خاص حکایت است که همیشه کاهش عدم امنیت یا افزایش اطمینان در امر سیاسی معنا می‌یابد. امنیت در تعارض با عدم امنیت نیست چگونگی امنیت در شرایطی که به عنوان (عدم امنیت - خطر و تهدید) در نظر گرفته شد، تعریف می‌شود.

مکتب انگلیسی	مکتب ولز	مکتب کپنهاک	مکتب پاریس	
فرد / دولت	فرد / مردم	دولت / اجتماع	جامعه یا اجتماع سیاسی	مرجع امنیت
امنیت جامعه بین‌الملل	امنیت مردمان (امنیت انسانی)	امنیت دولت	امنیت جامعه	هستی شناسی
تاریخ گرا و تفسیری	گفتمانی (دانش - قدرت)	تاریخ گرا و تفسیری	دانش - قدرت (بوردیوی)	معرفت شناسی
تکثرگرا	تحلیل انتقادی گفتمان	امنیتی کردن	میدان	روش شناسی

جدول شماره ۱: بررسی مقایسه‌ای امنیت در مکاتب متأخر امنیتی

۲. سازوکارهای دستیابی به امنیت فراگیر در رویکرد امنیتی اسلام

اسلام برای رسیدن به امنیت فردی و اجتماعی (ملی و بین‌المللی)، متفاوت از دو رویکرد رئالیسم و لیبرالیسم مبتنی بر دو اصل صلح و جهاد (اصالت صلح و جهاد برای ایجاد صلح و امنیت) است و برای رسیدن به این امر، سازوکارهایی خاص را درپیش گرفته است که در زیر بررسی شده‌اند:

۲.۱. صلح در اسلام و رابطه آن با امنیت

صلح اسلامی معنایی عمیق و گسترده دارد که عبارت است از همزیستی مسالمت‌آمیز با رعایت متقابل حقوق، پایبندی متقابل به وظایف و مسئولیت‌ها است. در صلح اسلامی، عدالت اجتماعی و امنیت عمومی برقرار است البته صلح در اسلام، به معنی عدم جنگ و صرف خودداری از جنگ آن هم به هر قیمتی نیست؛ بلکه حالت طبیعی مسالمت‌آمیز است که در آن، بشر به رشد و کمال خود برسد. از نظر اسلام، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها با عقاید و مذاهب گوناگون، یک

ارزش و هدف است. هدف از صلح، مصلحت‌اندیشی نیست، بلکه خود صلح، مصلحت است؛ زیرا با زندگی فطری انسان‌ها همخوانی دارد و در شرایط صلح، کمال و سعادت انسان امکان‌پذیرتر است. از این رو، مکتب اسلام با دعوت به همزیستی مسالمت‌آمیز براساس آموزه‌های قرآن کریم از بدو ظهور با تبعیض‌های نژادی، قومی، طبقاتی و عصبیت‌های کور و جاهلانه و قشری‌گری‌های فکری به مبارزه برخاست و پیروان خویش را براساس اعتقاد به معبود یگانه با پیروان دیگر مکاتب الهی به وحدت و همزیستی مسالمت‌آمیز دعوت کرد: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَالْهَنَاءُ وَالْهَيْكَمُ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسَلِّمُونَ». و با اهل کتاب به جز به [شیوه‌ای] که بهتر است مجادله مکنید مگر [با] کسانی از آنان که ستم کرده‌اند و بگویید به آنچه به سوی ما نازل شده و [آنچه] به سوی شما نازل شده، ایمان آوردیم و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم اویم»^۱ اسلام، دین صلح است و هرگز به دنبال خونریزی نیست و توقف جنگ و نبرد را تحسین می‌کند: «وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا: و خداوند آنان را «که کفر ورزیده‌اند بی آنکه به مال رسیده باشند به غیظ [و حسرت] برگرداند و خدا [زحمت] جنگ را از مؤمنان برداشت و خدا همواره نیرومند و شکست‌ناپذیر است.»^۲

۲.۲. جهاد در اسلام و رابطه آن با امنیت

متفاوت با آنچه در دنیای غرب پنداشته می‌شود، اسلام برای حفظ امنیت و ارزش‌های خود، با غیرمسلمانان در ستیز دائمی نیست. اسلام درهای خود را روی دیگران نمی‌بندد و به بهانه حفظ امنیت خود، سیاست انزواطلبی را اتخاذ نمی‌کند؛ بلکه فرمان می‌دهد که اصل اولیه در روابط میدان انسان‌ها و کشورها، بر صلح، صمیمیت، محبت و صفا قرارگیرد؛ به جزاینکه دلایلی باعث شوند که این اصل، مقید شود، از دیدگاه اسلام، تا کشوری، تهدیدی ضد منافع مسلمانان و مصالح و عزت مسلمانان ایجاد نکرده، سیاست کشور اسلامی باید تدبیر و شناسایی تحرک‌های کلی باشد و البته در برابر دشمن نیز باید هوشیار و مسلح بود.

۱. قرآن کریم، سوره عنکبوت، آیه ۴۶.

۲. قرآن کریم، سوره احزاب، آیه ۲۵.

از دیدگاه اسلام، ارزش جهاد از تمام کارهای شایسته دیگر فراتر است و هیچ کار شایسته‌ای در اسلام همانند جهاد نیست، زیرا جهاد پذیرش رنج، سختی، گذشت، ایثار و اظهار محبت است؛ مجاهد در راه خدا با تمام عشق و علاقه، جان خویش و عزیزانش را در کف اخلاص می‌گذارد و در راه خدا هدیه می‌کند و اندیشه‌ای جز فداکاری در راه خدا ندارد (شریعتمدار جزایی، ۱۳۷۹: ۴۸).

۳. ارزیابی رویکردهای امنیتی رئالیسم، لیبرالیسم و اسلام

با توجه به مطالب بررسی شده، در این قسمت، رویکردهای امنیتی سه مکتب رئالیسم، لیبرالیسم و اسلام نسبت به مفهوم، حوزه‌ها و راهکارهای عملیاتی‌سازی امنیت مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند؛

۳.۱. ارزیابی رویکرد امنیتی رئالیسم

نگاه واقع‌گرایان به امنیت بین‌المللی، نگاهی محدود و تقلیل‌گراست که از محدوده مرزهای دولت‌ها چندان فراتر نمی‌رود. واقع‌گرایان بیشتر از اینکه امنیت بین‌الملل را به صورت مفهومی منحصر به فرد در نظر بگیرند، آن را با تمرکز بر امنیت ملی دولت-ملت‌ها تعریف می‌کنند و حاکمیت استقلال کشورها را مهم‌ترین رکن امنیت بین‌الملل می‌دانند. از سخنان بسیاری از طرف داران مکتب واقع‌گرایی (رئالیسم) استفاده می‌شود که قدرت محوری و قدرت طلبی، انگیزه‌های اصلی و هدف نهایی برای ملت‌ها و دولت‌ها خواهد بود؛ این سخن، در اسلام و اندیشه زمامداران واقعی و اندیشمندان مسلمان مورد قبول نیست، زیرا قدرت، هرچه اهمیت و آثار مهمی داشته باشد، نمی‌تواند به عنوان هدف اصلی و نهایی تلقی شود و ارزش آن، ابزاری خواهد بود؛ بنابر این، از نظر ادیان و به ویژه اسلام، قدرت وسیله‌ای است که باید از آن در جهت تأمین اهداف مشروع، حاکمیت خدا و دیدن خدا، مبارزه با استکبار، ظلم، ستم و تجاوز بهره‌گیری شود. قدرت در نظر اولیای خدا، اگر در مسیر اهداف نامبرده و مانند آن قرار نگیرد، هیچ ارزش ذاتی نخواهد داشت.

۳.۲. ارزیابی رویکرد امنیتی لیبرالیسم

مهم‌ترین ایراد این رهیافت، نگاه یک‌جانبه‌گرایانه آن به طبیعت جوامع انسانی و کارگزاران روابط بین‌الملل است؛ این رهیافت نیز، مانند رویکرد رئالیستی که تمام توجه خود را روی بعد حیوانی افراد متمرکز ساخته بود، با برجسته کردن بعد انسانی، جنبه‌های حیوانی آنان را به حاشیه رانده

است. رهیافت ایده آلیستی بیش از آنکه به هست‌ها توجه کند، به بایدها و هنجارهای ارزشی رفتار می‌پردازد. درحالی که واقع‌گرایان بیش از اندازه به قدرت تکیه می‌کنند، آرمان‌گرایان آن را نادیده می‌گیرند و به هماهنگی منافع دولت‌ها معتقدند. طرفداران رهیافت ایده‌آلیستی بر خلع سلاح عمومی یا کنترل تسلیحات، تقویت مقررات و حقوق بین‌الملل تأکید می‌کنند، در حالی که تجویز امنیت دسته‌جمعی برای برقراری ثبات و صلح بین‌المللی در عمل با موانع و چالش‌هایی متعدد همراه است و سازمان‌های بین‌المللی و هنجارهای حقوقی بین‌المللی تحت تأثیر بازی قدرت‌های بزرگ، کارکرد واقعی خود را نداشته‌اند؛ دیدگاه لیبرالی نیز دیدی تقلیل‌گرایانه همانند نظریه رئالیستی به امنیت دارد، زیرا لیبرالیسم بر بعد اقتصادی امنیت تأکید خاص دارد. لیبرال‌ها دلیل نامنی در نظام بین‌الملل را دولت‌محوری و تأکید بر خودیاری در نظام بین‌الملل می‌دانند که باید با کم‌رنگ کردن نقش دولت‌ها امنیت‌ایده‌آل را برقرار کرد، اما آنچه در طول تاریخ تاکنون آشکار بوده، افزایش نقش دولت‌ها در ابعاد گوناگون و تغییر در تعریف کار ویژه‌های دولت بوده است.

۳.۳. ارزیابی رویکرد امنیتی اسلام

توجه به «صلح و امنیت» از جمله ویژگی‌های ممتاز مکتب اسلام در مقام تعریف و عملیاتی کردن کانون‌های بنیادینی است که می‌تواند در تضعیف صلح و امنیت واقعی، مؤثر واقع شوند؛ درحالی که رویکردهای واقع‌گرا زوال منابع قدرت را به مثابه کانون‌های مرکزی تولید نامنی مدنظر دارند یا رویکردهای آرمانگرا بر ضعف انگیزه‌های همکاری و نبود منافع مشترک تأکید می‌کنند؛ مکتب اسلام اشاره دارد که باعث برهم خوردن نظم و امنیت بین‌المللی می‌شود. اسلام «برتری طلبی» به غریزه به طورکلی با اصل برتری‌طلبی در صحنه روابط اجتماعی و به تبع آن در روابط بین‌الملل مخالف است و از آنجایی که برتری طلبی به‌ایجاد و استقرار ظلم در نظام بین‌الملل منجر می‌شود به دنبال این موضوع بنیادی است که روابط بین‌الملل باید به گونه‌ای ساماندهی شود تا در آن، امکان تعریف و کاربرد ظلم به حداقل ممکن برسد؛ خلاصه کلام آنکه ظلم نکردن، مقابله با ظالم و حمایت از مظلوم اصل اولیه توجه به «صلح و امنیت» از جمله ویژگی‌های ممتاز مکتب اسلام در مقام تعریف و عملیاتی کردن کانون‌هایی بنیادین است که می‌تواند در تضعیف صلح و امنیت واقعی، مؤثر واقع شوند؛ اسلام در حرکت جهانی خود برای فرهنگ‌سازی اهمیت زیادی قائل است. اسلام به عنوان مکتبی جامع که از ظرفیت مدیریت مناسبات بین‌المللی در عصر حاضر نیز

بهره‌مند است، در مقام تعریف الگوی رفتاری در عرصه خارجی بر اصلی متفاوت تأکید دارد که بنیاد آن را «مساوات حکمی» شکل می‌دهد. منظور از «مساوات حکمی» جریان یافتن قواعد بین‌المللی برای بازیگران مسلمان و غیرمسلمان به شکل واحد است (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۱۱). عدالت بین‌المللی مکتب اسلام دلالت دارد؛ از طرف دیگر، اسلام با دیدگاهی واقع‌گرا به نظام بین‌الملل توانسته، تفسیری درست از ماهیت روابط بین‌الملل ارائه دهد. برنامه‌های اسلام در خصوص مسئله جنگ و صلح در روابط بین‌الملل به نسبت دو رویکرد رئالیسم و لیبرالیسم از ظرفیت اجرایی بیشتری بهره‌مند است. علاوه بر آن در ارزیابی رویکرد امنیتی اسلام، می‌توان استدلال کرد که اسلام با دیدگاهی واقع‌بینانه نسبت به ذات بشر و روابط بین‌الملل و همچنین لایه‌های امنیتی زندگی بشری توانسته تا تفسیری جامع از مفهوم، حوزه‌ها و سازوکارهای دستیابی به امنیت نسبت به دو رویکرد امنیتی دیگر ارائه دهد که با واقعیات زندگی بشری تناسب خیلی بیشتری دارد.

همانگونه که جدول نشان می‌دهد، تفاوت در رویکرد امنیتی سه مکتب رئالیسم، لیبرالیسم و اسلام از تفاوت در مبانی هستی‌شناسی این سه جریان تأثیر می‌پذیرد؛ رئالیسم با یک دیدگاه بدبینانه نسبت به ذات بشر این دیدگاه را به نظام بین‌الملل تسری می‌دهد و ماهیت نظام بین‌الملل را صحنه ترس و جنگ دائمی ترسیم کرده است، لیبرالیسم با نگاه خوشبینانه به ذات بشر، این دیدگاه را به نظام بین‌الملل تسری می‌دهد و صحنه نظام بین‌الملل، صحنه تعاون و همکاری است؛ اسلام هم با رویکردی بینابین، رویکردی متفاوت از دو جریان یادشده را در پیش گرفته است؛ همچنین در جدول بالا تفاوت در سطوح تحلیل این سه جریان، مشخص شده است در طول تاریخ، تاکنون آشکار بوده، افزایش نقش دولت‌ها در ابعاد گوناگون و تغییر در تعریف کارویژه‌های دولت بوده و نه برچیده شدن آن است. لیبرال‌ها در رویکرد امنیتی خویش، متأثر از مبانی هستی‌شناسی خود و در نتیجه، اعتقاد به هماهنگی طبیعی منافع ملت‌ها، به شکل‌گیری یک جامعه تعاملی - امنیتی فراگیر در بعد جهانی خوش بین هستند و بیشتر بر بعد وابستگی متقابل اقتصادی تأکید دارند.

۴. نتیجه‌گیری

مقایسه رویکرد امنیتی سه جریان رئالیسم، لیبرالیسم و اسلام، حاکی از این است که تفاوت در مفهوم‌سازی، ابعاد و سازوکارهای دستیابی به امنیت در رویکرد امنیتی این سه جریان از تفاوت در مبانی هستی‌شناسی آنها تأثیر می‌گیرد. رویکرد رئالیستی با دیدگاهی تقلیل‌گرا (ذات بد انسان، سطح تحلیل ملی‌گرا و ماهیت جنگ محور نظام بین‌الملل)، امنیت را فراتر از محدوده مرزهای دولت‌ها

نمی‌داند و آن را با تمرکز بر امنیت ملی دولت / ملت‌ها تعریف می‌کند و به بعد نظامی امنیت توجه دارد؛ درحالی که امنیت، فرای رویکرد نظامی است.

رنالیست‌ها بهترین روش تأمین و حفظ امنیت بین‌الملل را تحقق‌بخازداری متقابل میان دولت‌ها و شکل‌گیری موازنه قدرت می‌دانند. دیدگاه لیبرالی نیز به امنیت، دیدی تقلیل‌گرایانه همانند نظریه رنالیستی دارد، زیرا لیبرالیسم بر بعد اقتصادی امنیت تأکیدی خاص دارد.

لیبرال‌ها (خوش‌بین به ذات بشری، سطح تحلیل فردگرا و ماهیت صلح‌محور نظام بین‌الملل) دلیل ناامنی در نظام بین‌الملل را دولت‌محوری و تأکید بر خودیاری در نظام بین‌الملل می‌دانند که باید با کم‌رنگ کردن نقش دولت‌ها امنیت ایده‌آل را برقرار کرد؛ اما آنچه بررسی تطبیقی رویکرد امنیتی اسلام با رویکرد امنیتی رنالیسم و لیبرالیسم در طول تاریخ، تاکنون آشکار بوده، افزایش نقش دولت‌ها در ابعاد گوناگون و تغییر در تعریف کارویژه‌های دولت و نه برچیده شدن آن است.

لیبرال‌ها در رویکرد امنیتی خویش و با اعتقاد به هماهنگی طبیعی منافع ملت‌ها، به شکل‌گیری یک جامعه تعاملی / امنیتی فراگیر در بعد جهانی خوشبین هستند و بیشتر بر بعد وابستگی متقابل اقتصادی تأکید دارند. ولی نیازهای بشری را نمی‌توان به نیازهای اقتصادی، محدود دانست که در نتیجه آن، امنیت را نیز یک بعدی در نظر گرفت؛ لذا امنیت را مقوله‌ای چند بعدی و به هم وابسته می‌دانند که لیبرال‌ها از دیگر ابعاد آنها غافل بوده‌اند.

در نظریه امنیتی اسلام مبتنی بر مبانی هستی‌شناسی، دیدگاه ترکیبی نسبت به ذات انسان، سطح تحلیل امت‌محور و ماهیت ترکیبی جنگ و صلح‌محور بودن نظام بین‌الملل، امنیت را مفهومی گسترده، متوازن و عمیق که ابعاد مختلف زندگی انسان را شامل می‌شود، می‌دانند. رویکرد امنیتی اسلام هم مانند دو جریان دیگر از مبانی هستی‌شناسی این جریان، متأثر است؛ نقطه آغازین این امنیت در وجود انسان‌ها نهفته است که در صورت تحقق آن، جامعه ملی و نظام بین‌المللی را تحت تأثیر خود قرار داده و در سایه این امنیت، سایر ابعاد امنیت نیز تأمین خواهند شد و تأکید بر نیروی نظامی و جنگ در اسلام برای ایجاد و حفظ امنیت و صلح است، اما نه آنگونه که رنالیست‌ها بر آن تأکید دارند و امنیت را در پرتو قدرت نظامی بیان می‌کنند. در نظریه امنیتی اسلام، قدرت نظامی و جنگ برای دفع تجاوز یا رفع آن و حمایت از دعوت اسلامی یا برای از بین بردن ظلم و یاری مظلومان است و برای غلبه و مخالفت در دین غیرمسلمانان نیست.

جدول ۲: بررسی مقایسه‌ای مکاتب رئالیسم، لیبرالیسم و اسلام

مکتب اسلام	مکتب لیبرالیسم	مکتب رئالیسم	
اصالت ذاتی عقل و توجه به تجربه	اصالت عقل	درک عینیت، حس و تجربه	معرفت شناسی
محوریت خدا	محوریت انسان	محوریت دولت	هستی شناسی
صلاحیت ذاتی عقل، همراهی تجربه و وحی	استفاده از عقل انسان	محاسبات عینی	روش شناسی

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، *مجمع البیان*، دارالمعرفه، ج ۱۰.
- ابومحمد ابن شعبه الحرانی، *تحف العقول*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ ش، ۱۴۰۴ ق.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)، *صلح و امنیت بین الملل*، رویکرد اسلامی. «مجموعه مقالات اسلام و روابط بین الملل» چارچوب‌های نظری، موضوعی و تحلیلی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)؛
- احمدی، محمدرضا (۱۳۸۴)، *امنیت؛ مفاهیم، مبانی و رویکردها*، رویکرد اسلامی «مربیان سال ۵، شماره ۱۵».
- بوردیو، پی یر (۱۳۸۰)، *نظریه کنش*، ترجمه، مرتضی مردی‌ها، تهران: نقش و نگار.
- بیلگین، پینار (۱۳۹۰)، *نظریه انتقادی در کتاب درآمدی بر بررسی‌های امنیت ویراسته*: پل دی ویلیامز، ترجمه علیرضا طیب، تهران: امیرکبیر.
- برزنونی، محمدعلی (۱۳۸۴)، *اسلام؛ اصالت جنگ یا اصالت صلح*، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۳.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا و شهرام پرستش (۱۳۸۰)، *دیالکتیک منش و میدان در نظریه عمل پی یر بوردیو* نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰.
- خلیلی، رضا (۱۳۸۳)، *تحول تاریخی گفتمانی مفهوم امنیت*، فصلنامه مطالعات راهبردی سال هفتم، شماره ۵.
- دری نجف آبادی، قربانعلی (۱۳۷۹)، *نگاهی به امنیت از منظر امیر مومنان*، فصلنامه حکومت اسلامی سال پنجم، شماره ۱۸.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و سید یوسف قرشی (۱۳۹۲)، *نظریه و روش در مطالعات امنیتی کردن*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره چهارم.
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۱)، *دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام*، مجله علوم سیاسی پاییز سال پنجم، شماره ۱۱.
- سیمبر، ارسلان و ارسلان قربانی شیخ نشین (۱۳۸۹)، *اسلام‌گرایی در نظام بین‌الملل رهیافت‌ها و رویکردها*، انتشارات دانشگاه امام صادق.
- شریعتمدار جزایری، نورالدین (۱۳۷۹)، *امنیت در فقه سیاسی شیعه*، فصلنامه علوم سیاسی سال سوم، شماره ۹.

- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیرالمیزان*، ج ۱۵، ترجمه سید محمدباقر همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۶)، *بررسی مفهوم امنیت در سیاست تازه بین‌الملل*، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۴۵.
- ناصر زاده، بابک (۱۳۸۶)، *معاهدات و کنوانسیونها و سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: انتشارات بهنامی.
- ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۲)، *اعلامیه‌های حقوق بشر*، تهران: موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی ماجد.
- محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۸، قم، دارالکتب الاسلامیه، حکمت ۸.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۰.
- فرید تنکابنی، مرتضی (۱۳۷۴)، *نهج الفصاحه*، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چ ۴.

ب. منابع انگلیسی

- Tsoukala, Anastassia (2008) *Illiberal Practices in Liberal Regimes*, Paris: L'Harmattan à la sécurité intérieure: RU, Irlande du Nord', *The Participation of the Armed*
- Barkawi, Tarak (2004) "On the Pedagogy of "Small Wars", *International Affairs*, 80: 1
- Barkawi, Laffey (2006) "The postcolonial moment in security studies", *Review of International Studies*, 32.
- Bellamy, Alex J & Matt McDonald (2010) "Securing international society: towards an English school discourse of security", *Australian Journal of Political Science*.
- Bigo, D. (2002) *Security and Immigration: Toward a Critique of the Governmentality of Unease*. *Alternatives* (27) (1),
- Bigo, D. (2006b) "Internal and External Aspects of Security", *European Security*, (15) (4), pp. 385-404.
- Bigo, Didier (2006) "Globalized (in)Security: The Field and the Ban-opticon", in *Didier Bigo*, No. 2, 1996
- Bigo, Didier, Emmanuel-Pierre Guittet & Andy Smith (2004) 'La participation des militaires
- Bilgin, Pinar (2007) "Security studies: Theory/practice", *Cambridge Review of International Affairs*.
- Buzan, Barry and Waver, Ole (2003) *Regions and Powers*, Cambridge: Cambridge University Press
- Laustsen, Carsten and Wæver, Ole (2000) "In Defence of Religion: Sacred Referent Objects for Securitization", *Millennium: Journal of International Studies*, Vol. 29 No. 3.
- Davi, Marco (2009) "Human Security as the One Size Fits All Policy Approach?" *MSc International Relations*, London School of Economics and Political Science, *Dissident Thought in International Relations*, *International Studies Quarterly* 34.
- Makinda, Samuel (2008) "International law and security: exploring a symbiotic relationship", *Australian journal of international affairs*
- Noesselt, Nele (2012) *Is There a "Chinese School" of IR? GIGA Research Programme*.
- Reus-smit, Christain (2002) "Imagining society: constructivism and the English school" *British journal of politics and international relations*.

